



۲۰۱۷/۰۱/۲۸

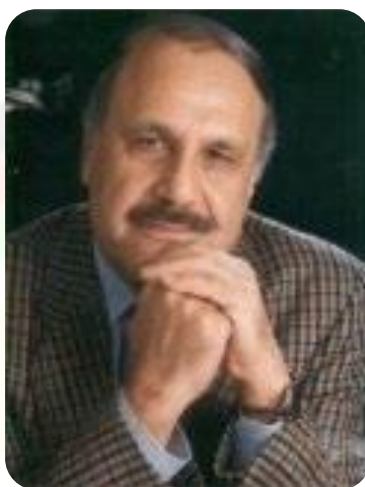


م. نسیم اسیر

او، با ما نبود !!

تاریخ، زرین ترین آئینه روزگار و یا بلا تشبیه لوح محفوظی است که همه اعمال بشر، اعم از خوب، بد، زشت و نیک را در صفحه دل، حک و در سینه نگه می دارد

تا روزی برای قضاوت نهائی، بر رخ خود نیست، از همین جاست که اگر در برخورد گذاریم، یا مردود می شماریم، یا از ظاهر آگاه اشتباهی را مرتکب شده ایم که در آینده



بین المللی به ارتباط نا بسامانی های وطن در بینی و بدبینی های آنی، ازین اشتباه دور

وقایع ننگین تر دیگر تا امروز در وطن و بغرنج می شود که غالباً در پیچ و خم گردد و در تعیین دوست و دشمن مرتکب

ما و یا فرزندان ما ظاهر بسازد.

انسان در مواقف مختلف از اشتباه بری با قضایا، از روی احساسات، صحنه می امر، عملی را توصیف می کنیم، ناخود جوابگوی آن خواهیم بود.

ما افغانان که مسایل را در سطح ملی و محک قضاوت قرار می دهیم، با خوش نیستیم.

با کودتای ننگین ثور و به ادامه آن جهان، روز تا روز، مسایل چنان پیچیده حوادث، قدرت قضاوت از ما سلب می اشتباه می شویم.

جورج بوش کوچک «کوچک از هر نگاه»، رئیس جمهور سابق امریکا که از نظر من، دشمن ترین فرد در برابر انسانیت و بشریت بود و من در مذمتش بخصوص بعد از تهاجم در افغانستان به بهانه سرکوب کردن طالبان سروده هایی دارم که یکی از آن را به ادامه این نوشته از نظر تان می گذرانم.

با اختتام زعامتش در امریکا و روی کار آمدن «اوباما» با وعده وعید های فراوان، مردم در سراسر جهان، از جمله من با خوش بینی این تغییر را به فال نیک گرفته شعر خوش بینانه ای سروده و مقدمش را به خوشی استقبال کردم. از آنجا که سیاست امریکا چه با حزب دموکرات ها، یا جمهوری خواهان، همان جهان خواری است، آقای اوبامای در ظاهر خوش سیما و خوش کلام، هم بدکردار شد و ساحه جهان خواری امریکا را با بهانه گیری های مختلف و متنوع وسیعتر ساخت و سرزمین های آسوده و آرام را به خاک و خون کشید، اعمالش در سیاست با افغانستان هم نامردانه شد، بر تعداد سربازان افزود و با وجود امضای قرارداد امنیتی، در تهاجم های وسیع و مکرر طالبان و مداخلات همسایگان شرق و غرب، اردوی نو پا و قوای امنیتی ما را تنها و بی وسیله رها کرد.

اینک بعد از گذشت این همه سال و جهان گشایی های امریکا در زعامت «اوباما»، آقای «دونالد ترمپ» در رأس قرار می گیرد که اولین شعارش علیه انسانیت و بشریت است. از رفتار و گفتار آقای «ترمپ» چنان استنباط می گردد که با بلند پروازی هایش، جهان را بیشتر در خون بغلتاند، که امیدوارم مغزهای سالم و سلیم در اطرافش، مانع خود سری های او شوند. اینک منظومه هایی را که سروده ام تاریخ وار تقدیم می دارم:

❖ ۱. طفل بد آموز در مورد بوش کوچک:

دلم می سوزد از غم، سوز اینست	ز دیروزم می رس، امروز اینست
غم نَو، ماتم نَو، آفت نَو	به دشت کربلا نوروز اینست
دهن شیرین کند با خون مردم	عزیزان!، طفل بد آموز اینست
کمر بسته به قتل بی گناهان	چه جاهل، قاتل پیروز اینست
کند ویران که سازد باز آباد	دروغ کامل جانسوز اینست
نوای صلح در گوشش نمیچد	عجب جلاد جنگ افروز اینست
به مردن تن بده تا زنده باشی	کلام خوب مود روز اینست
به پا خیزید ای آزاد مردان	ز عمر و زندگی یکروز اینست
جهان خوابیده در نطع جهالت	«اسیر» آن خنجر دلدوز اینست

م. نسیم «اسیر» ۳۱ مارچ ۲۰۳ فرانکفورت

❖ ۲. خوش باوری در مورد «اوباما»:

کنون از هر طرف، در هر زبان، تکرار او باماست	به راس کار این دنیا علمبردار او باماست
ز بس رنج جهان بسیار شد از دست نادانی	به امید گشود کار ها، این بار او باماست
به گفتار خوش و پندار نیکو قد علم کرده	به رفتارش چو میبینی، چه خوش کردار او باماست
دگر طالع و بخت طالبان در خواب خواهد رفت	از آن آسوده بستر، بعد ازین بیدار او باماست
به تغییر سیاست های امریکا کمر بسته	به ظاهر آدم پر قدرت و پرکار او باماست
گذشت آن دوره خود خواهی و مضمون سر زوری	جهان را همنوا و همدم و همکار او باماست
جنون زور، حاکم بود در عالم ولی اکنون	به زور و زر نمی نازد، اگر هشیار او باماست
اگر چه تا گلو، خود در مصیبت ها گرفتار است	جهان را تا رهائی بخشد از ادبار او باماست
کسی میگفت، (اوباما) اگر باماست پس ایکاش	به راه صلح کوشد، تا کنم اقرار او باماست
زخیل جنگسالاران چون حمایت کرد (بوش)، اما	یقین از این گروه سنگدل، بیزار او باماست

توکل بر عنایات خدا داریم (اسیر)، اما
خدا با ماست دیدم، زین سبب این بار «اوباماست»

م. نسیم «اسیر» ۱۲ دسمبر ۲۰۸ فرانکفورت

❖ ۳. در رد خوش بینی قبلی:

گفتم او، با ماست، روشن شد که او با ما نبود
در شماتت با جهانخواران دیگر دست داد
دیده خوش بین من شب را بسان روز دید
قامت بالا بلندش در سیاست راست شد لیک دستش جز به قتل مردمان، بالا نبود
حرف از مهر و محبت می زد، اما دیده شد
شفقت و رحم و مروت، در دلش اصلا نبود
تکیه کن بر همت والای خلق خود «اسیر»
کاین سیه کردار جز در فکر امریکا نبود

در تحول اخیر، اینک «اوباما» قصر سفید را با سیه رویی ترک گفت و جاگزینش سیه کردار دیگری به نام «دونالد ترمپ» زمام امور را به دست آورد که شعارش حتی قبل از انتخابات، بر ضد قوانین مدنی و بشریت بود. امیدوارم با سرزمین ویران شده ما، برخورد منطقی داشته، در بدل بمباردمان قریه ها و قصبات افغانستان، اصل لانه های تروریسم را در آنطرف سرحد معدوم و گلیم سیه بختی خود را جمع و پیش از آنکه گریختانده شود، خود، راه فرار اختیار کند.

اگر چه این سخن در گوش ها افسانه می آید
شعار دشمنی با خلق عالم می دهد، گویا
جهان پاشیده از هم، در نفاق و ظلم و استبداد
سیاست های عالم جز کدورت، بار می نارد
بهم پیوستن دل ها، کمال مردی می خواهد
ز «اوباما» که خود با ما نبوده، رنج ها دیدیم
جهان در پنجه یک قدرت افتاده ست، می ترسم
به چشم من زهر سو چشمه های خون همی جوشد
خوش آن قومی که در جنگ جهان خواران خون آشام
حقیقت آنکه در رأس جهان، دیوانه می آید
به دستی تیغ و بر دست دگر زولانه می آید
چه سامانی درین دنیای بی سامانه می آید
عجب آب گلو سوزی ازین پیمانه می آید
چنین همت ز مرد عاقل و فرزانه می آید
کنون مغزی که عالم را کند ویرانه می آید
که آرامش نه در ویرانه و نه خانه می آید
سرشک از دیده ام با موج خون هر دانه می آید
به پا برخاسته با قامت مردانه می آید

«اسیر» از بسکه قید و بند زندان هوس گرم است

به چشم هر طرف گسترده دام و دانه می آید

در اخیر امیدوارم در شناخت خود از آقای «ترمپ» اشتباه کرده باشم و برخلاف قضاوت من، این هیولای پرهنگامه، سیاست های داخلی و خارجی خود را با درایت کامل بنیان گزاری نماید تا مردم جهان در سایه صلح و آرامش واقعی زندگانی کنند. به آرزوی چنین روزی.

م. نسیم «اسیر» ۲۳ جنوری ۲۰۱۷م، فرانکفورت

پایان